

مروری بر نمایشگاه عکس «حجب» بیادگر حیا و حجاب مردوزن است

قاب هایی بر ای نمایش یک فریضه اجتماعی

مریم سادات گوشه
خبرنگار



نمایشگاه گروهی عکس «حجب» دوم بهمن ماه به مناسبت ولادت بانوی دو عالم حضرت زهرا سلام‌الله علیها در خانه عکاسان جوان افتتاح شد. نمایشگاهی که جرعه اولیه‌اش پنج سالی به دهن مدبر خانه عکاسان جوان خطور کرده بود و عکس‌هایی هم با موضوع حجاب گرفته بود و اکنون بعد از گذشت پنج سال با حمایت بخش خصوصی توانست این نمایشگاه را به مناسبت ولادت حضرت صدیقه کبری برگزار کند. نمایشگاهی که تا ۱۴ بهمن ماه ادامه دارد و مسأله حجاب را برای تمامی افراد جامعه در قالب تصویر تبیین کرده است. حجابی که شامل حال نوع بشر است و مصداق آن نه تنها برای زنان است بلکه مردان جامعه را هم در بر می‌گیرد. کرچه حجاب قرآنی دارای ابعاد و شاخص‌های پرتنگانه است. حجاب از منظر قرآن بر پنج مورد نگاه، گفتار، رفتار، حجاب فیزیکی بدن و حجاب قلب دلالت دارد. حال آنکه به باور غلط حجاب صرفاً در پوشش فیزیکی بدن خلاصه می‌شود در حالی‌که هر گاه چهار بعد اولیه در قرآن در حد هنجارهای اجتماعی رعایت شود، به حجاب نازل دست یافته‌ایم و بعد از آن به برترین نوع پوشیدگی فیزیک تن خواهیم رسید که در آن رخ می‌نماید و جامعه به ارزش‌ها و کرامت‌های انسانی‌اش نزدیک می‌شود. نمایشگاه گروهی عکس «حجب» هم با توجه به این نظر قرآن‌آثاری را به روی دیوار برده است تا به قول رسول اولیازاده هنرمند عکاس پیشگسوت و مدیرخانه عکاسان جوان بتوانیم با استمرار چنین نمایشگاه‌هایی، حجاب

قرآنی را در جامعه فرهنگسازی کنیم. این هنرمند درباره نحوه شکل‌گیری این نمایشگاه به «ایران» می‌گوید: «از حدود ۵ سال پیش در مورد حجاب، طراحی خاصی در ذهنم بود و آن را به‌صورت تصویر عکاسی کردم و از آن زمان دنبال این بودم که این پروژه را با حداقل ۱۵ عکس به اتمام برسانم. متأسفانه هیچ حامی مالی پیدا نکردم تا من را حمایت کند تا بتوانم این مجموعه را عکاسی کنم. تقریباً دو ماه پیش بود که با خبرنگاری هنرآرایان مناسبتی داشتم و بعد از اینکه کلاً ناامید بودم که کسی مرا حمایت نمی‌کند تا آن آثار تولید شود تصمیم گرفتم به مناسبت ولادت خاتم فاطمه (زهراس) نمایشگاه گروهی در رابطه با حجاب برگزار کنم. فراخوان خصوصی بین عکاسانی که هارومنی فکری با طرز تفکر من دارند، دادم و از بین هنرمندانی که می‌شناختم در زمینه حجاب اثر دارند، حدود ۴۰ اثر را

جمع‌آوری کردم تا برای ولادت حضرت زهرا سلام‌الله علیها به نمایش دریاورم.» اولیازاده ادامه داد: «خوشبختانه توانستم به قول خودم عمل کنم و این آثار جمع‌آوری شد ولی برای ارائه این نمایشگاه نیاز به حامی داشتم تا برای چاپ عکس‌ها و کارهای متعددی که یک نمایشگاه می‌طلبد تا این آثار را تهیه کنم و با یک ارائه زیبا آن طور که دلم راضی شود، معرفی کنم. نمایشگاهی که درشان خاتم فاطمه زهرا(س) باشد. این مسأله مستلزم هزینه بود. با توجه به اینکه دو سال است که مجموعه خانه عکاسان جوان به علت شیوع بیماری کرونا تقریباً فعالیت اقتصادی نداشته، کار برابرم دشوار بود. با خیلی از مجموعه‌های فرهنگی و دوستانی که مسئولیتی در ارگان‌های فرهنگی داشتند ارتباط برقرار کردم و هیچ کدام به من پاسخ مثبتی برای حمایت از برگزاری نمایشگاه ندادند. در نهایت دوست عزیز و خوبم آقای علیرضا ربیعی راد مدیرعامل مؤسسه تبلیغاتی محیطی صدر رسانه، همت کردند و از نمایشگاه ما حمایت کردند و با حمایت‌های مادی و معنوی شان باعث شدند که ما بتوانیم این نمایشگاه را برگزار کنیم.»

این هنرمند در ادامه درباره پیام نمایشگاه «حجب» توضیح می‌دهد: «این نمایشگاه می‌خواهد به جامعه ما این پیام را بدهد که حجاب مانع پیشرفت یک زن مسلمان و ایرانی نیست بلکه باعث می‌شود که با اقتدار و اعتماد به نفس بهتری در جامعه حضور پیدا کند.» اولیازاده درباره ویژگی‌های آثار این نمایشگاه می‌گوید: «از آثار نمایشگاه پیداست که خانم‌های محجبه ما در عرصه‌های مهم جامعه از فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگی، هنری، اجتماعی، معنوی و ورزشی برخوردارند و با حجاب اسلامی خود توانسته‌اند در این عرصه‌ها فعالیت کنند و به رشد و شکوفایی جامعه ایرانی-اسلامی مان کمک کنند. در نتیجه ما خواستیم یک هدف را دنبال کنیم که حجاب نه تنها مانع راهمان برای رسیدن به اهداف نیست، بلکه می‌تواند برای ما امنیت را هم در پی داشته باشد.» او در پاسخ به اینکه در آثارشان به حجاب مرد هم اشاره شده است و به نظر می‌رسد نمایشگاه‌شان فراتر از حجاب زن باشد، تصریح کرد: «مسأله حجاب موضوع اساسی و اصلی در جامعه است. اگر بخواهیم فقط خانم‌ها را در این مسأله سهیم و دخیل بدانیم حداقل ۵۰ درصد جامعه ما با این ماجرا مواجه هستند که باید با حجاب اسلامی در جامعه حضور داشته باشند. از طرفی چون حجاب به جامعه امنیت می‌دهد در نتیجه با صددرصد جامعه ارتباط برقرار می‌کند. حجاب و عفاف و حجب و حیا چه برای خانم‌ها و چه آقایان مورد نظر قرار بگیرد. در نتیجه حجاب را صرفاً به پوشش بیرونی تعبیر نمی‌کنیم بلکه حجاب به‌عنوان پوشش درونی، عفاف و حجب هم معنی می‌شود و این فقط به خانم‌ها مربوط نمی‌شود.»

این هنرمند ادامه می‌دهد: «وقتی حجاب به‌عنوان پوشش، حجب و حیا مطرح می‌شود این حجب و حیا باید در همه افراد جامعه چه زن و چه مرد رعایت شود. ما این جنبه را هم در اهداف نمایشگاه‌مان مدنظر داشتیم. هنرمندانی از سراسر کشور در این زمینه کار کرده و ما در ارتباط بودند و توانستند آثارشان را برای ما ارسال کنند و ما توانستیم از آثار آنان بهره‌مند شویم. امیدوارم این حمایت‌ها چه در بخش خصوصی مثل صدرا رسانه و چه ارگان‌های دیگری که در کار فرهنگی فعالیت دارند، به نحوی باشد که به مسأله حجاب به‌صورت کار فرهنگی مستمر و مداوم نگاه شود و ادامه یابد و در جامعه فرهنگسازی کنیم و حجاب برتر را در جامعه اسلامی نهادینه کنیم.» گفتنی است در این نمایشگاه، آثار علیرضا عطاریانی، محمد غریب عشقی، ساغر مرادی، حسام بختباری، رسول اولیازاده، حمیده جعفری، حامد نیرومند، احسان شکر، جلیل زهرانی، مرضیه سلیمانی، مجید فکری، مرضیه سلیمانی، محمدتوکلی، حمزه اولیازاده، ونیدا مسگرانی، محسن اسلام‌زاده، سیما مهر آذر، معصومه کریمی، محمد سرشوری، مهدی خوش‌نژاد، کاظم حسینی، کلوم ریاحی، حسین کامشاد، علی سیدی، علی سروردیان، عمار رحمانی و داوود کوهان‌ترابی به نمایش درآمده است.

مروری بر تحولات نقاشی اعتراضی و انقلابی در موزه هنرهای معاصر تهران

انعکاس شهادت در «آئینه در آئینه»

کیانوش معتقدی

نویسنده مترجم و پژوهشگر هنرهای ایرانی

در مسیر جریان‌شناسی هنر معاصر، جنبش هنر انقلاب و بویژه نقاشی‌ها و دیوارنگاره‌های باقیمانده از این مقطع تاریخی در ایران، در زمره مهم‌ترین آثار «هنر اجتماعی» به شمار می‌آیند. مطالعه هنر اعتراضی در پیش از انقلاب را می‌توان از منظر طبقه‌بندی تاریخی و بنیان‌های هنر انتقادی، سیاسی و کنشگرانه بازشناسی کرد.

با آغاز دهه پنجاه رویکرد اعتراضی و انتقادی، بیش از هر زمان مورد توجه هنرمندان عرصه‌های تجسمی، نویسندگان، شاعران و فیلمسازان قرار گرفت. در آن دوران گرایش‌های اجتماعی در هنر، راهی برای پرورش تفکر انتقادی و جست‌وجوی کنش‌رهای بخش بود. در این میان برخی نقاشان با حساسیت بیشتر نسبت به شرایط سیاسی و اجتماعی آن روزگار آثاری را خلق کردند که علاوه بر دلالت‌های اجتماعی، کارکردی انتقادی نیز داشت؛ تا پیش از پیروزی انقلاب هنرمندی چون اردشیر محمصص با نگاهی طنزآمیز و کنشگرانه (در قالب طراحی و کاریکاتور) به نقد شرایط حاکم پرداخت و برخی دیگر با نقاشان همچون بهمن محمصص، علیرضا اسپهبد، هوشنگ پرتشکنیا، هانیبال الخاص، مسعود سعدالدین، نصرت‌الله مسلمان، نیلوفر قادری‌نژاد، ثمیلا امیر ابراهیمی، پرویز حبیب‌پور، منوچهر صفیرزاده، حسین ماهر... هر کدام از چشم‌انداز متفاوت و روشنگرانه، شرایط اجتماعی و سیاسی آن روزگار را بازتاب داده و به نقد کشیدند. با به‌ثمر رسیدن انقلاب اسلامی گرایش به هنر اعتراضی در سال ۵۷، به ساحت «هنر انقلابی» به‌نظام معنایی تازه‌ای تغییر وضعیت داد.

بیشتر آثار نقاشی آن دوران بازتاب مستقیم رویدادهای اجتماعی بوده‌اند که از نظر شکل، فیگوراتیو و بازمانه‌اند و موضوع یا محتوای مشترک این آثار را مردم، مقاومت و مبارزه آنان تشکیل می‌دهند. در همین راستا آثار ارائه شده در نمایشگاه «آئینه در آئینه» موزه هنرهای معاصر تهران، منتخبی از شاخص‌ترین

آثار نقاشی هنرمندان نوگرای ایران است که در این دوره تاریخی (۱۳۶۳-۱۳۵۳) با ایده مردمی و اجتماعی کردن هنر، نوعی اکسپرسیونیسم روایی را با مضامین ملی و گاه اسطوره‌ای و مذهبی درهم آمیختند؛ که علاوه بر شیوه بیان و تکنیک اجرایی، نوعی بهره‌برداری هدفمندانه از «سنت» در آن اهمیت یافت. جنبش هنر انقلابی در سال‌های آغازین، با ارجاع به طبقه کارگران و مستضعفین جامعه، دلالت بر بازنمایی نابرابری و بی‌عدالتی در دوران پهلوی داشت. پس از پیروزی انقلاب، نقاشان با تأکید بر وحدت‌گرایی و هنجارمندی فرهنگی، تجربه‌های متنوع و تازه‌ای را در نقاشی فیگوراتیو و ژانر «هنر انقلابی» به شکوفایی رساندند. نقاشی انقلاب از نظر موضوع یک موتیف اصلی و مشترک دارد و آن «مردم» هستند اما نباید فراموش کنیم که الگوی ترکیب‌بندی و سازماندهی نقوش و فیگورها در برخی از این نقاشی‌ها، بازتولیدی از دیوارنگاره‌های انقلابی و سوسیالیستی مکاتب دیگر کشورها نیز بود که مصادیق آن در اینجا، نوع خوانش ما را نسبت به این پدیده تکمیل می‌کند.

آثار و نتایج تلاش خلاقانه هنرمندان این دوران، در سایه اندیشه و بینش عمیق نقاش نسبت به مفهوم جامعه، تعهد به مبارزه و اهمیت جایگاه رهبر (به مثابه قهرمان ملی) در پی ثبوت وقایعی بود که تأثیرات عمیق تاریخی را بر حافظه جمعی ما ایرانیان به جای گذاشت. به همین خاطر، دغدغه اصلی در نمایشگاه حاضر، چگونگی شکل‌گیری هنر انقلاب به مثابه «امر جمعی» و بازتاب

تحولات اجتماعی ایران، با هدف نشان دادن عقاید اجتماعی-سیاسی هنرمندان و بازخوانی مبارزات اجتماعی و دینی مردم است. یکی از بخش‌های جذاب نمایشگاه مجموعه نقاشی‌های بسیار بزرگ انقلابی است که توسط هانیبال الخاص و شاگردانش در سال ۵۸ اجرا شده و در نخستین نمایشگاه

بازگشایی موزه هنرهای معاصر تهران (آبان ماه ۵۸) به نمایش عموم درآمدند. این مجموعه بعد از چهار دهه برای نخستین بار در نمایشگاه آئینه در آئینه به نمایش درآمده است. روند چیدمان این نمایشگاه براساس سیر تاریخی و در سه بخش اصلی طبقه‌بندی شده است. بخش نخست شکل‌گیری هنر اعتراضی و انتقادی تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی است. بخش دوم جنبش هنر انقلابی و تحولات تصویری هنر ایران تحت تأثیر رویداد بزرگ انقلاب و تأثیر رهبری است. بخش سوم تبدیل گفتمان

هنر انقلاب به هنر جنگ است که با نمایش آثار شاخصی از هنرمندان حوزه هنری پایان بخش این نمایشگاه است. با آغاز جنگ تحمیلی، گفتمان هنر انقلابی وارد مسیر تازه‌ای شد و موضوع دفاع مقدس و دفاع ملی دغدغه اصلی و فصل مشترک نقاشی‌های دهه شصت شد. در این میان، مفهوم «شهادت» و اهمیت آن در راه مبارزه و رسیدن به پیروزی انقلاب جای خود را به روایتی دینی و حماسی از جایگاه شهید در راه دفاع از میهن داد. نقاشان در این دوره نقطه طلایی در ترکیب بندی آثارشان را به نمایش

تصویر شهید به گونه‌ای نمادین و درعین حال رماتیک اختصاص دادند. شایان ذکر است آنگونه که یونگ در تکمیل نظریه روانشناسی فروید، به بعد تاریخی در ضمیر ناخودآگاه قومی اشاره دارد، شهادت به‌عنوان هسته اصلی اندیشه و تفکر ضمیر ناخودآگاه ملت ایران جایگاه ویژه‌ای دارد. در همین راستا نقاشان در این دوران با گرایش‌های متفاوت، از رئالیسم گرفته تا رئالیسم اکسپرسیونیستی، مسأله شهادت را با عنوان یک کنش در برابر ستم دژخیمان در آثارشان بازتاب دادند.



“

هنرمندان تجسمی نمی‌توانستند مثل آتش‌نشان‌ها کمک کنند و نمی‌توانستند الزاماً مثل اهالی هنرهای نمایشی پیام شان را راحت به مردم برسانند و نیاز به بستری داشتند تا حرف شان را در قالب هنر بزنند

علیها درباره فروش آثار تصریح کرد: «نکته حائز اهمیت این بود که در فراخوان اعلام کردیم که فروشی در کار نیست بلکه در آخر تمامی آثار به سازمان آتش‌نشانی کشور اهدا می‌شود. جالب است که بدانید تمامی هنرمندان هم با این ایده موافق بودند و توانستیم حرکتی را رقم بزنیم که خودمان هم اصلاً به نتیجه آن فکر نمی‌کردیم.»

او در ادامه افزود: «اتفاقی که افتاد این بود که ما در بحث گردآوری آثار سعی کردیم به‌صورت کیوریتور عمل کنیم. به این صورت که آثاری را که به دستمان رسیده بود، دسته‌بندی کردیم و توانستیم آثار مناسبی را ارائه کنیم. از سازمان آتش‌نشانی هم دعوت شد و یک نمایشگاه بسیار احساسی و جالب را در آن روز شاهد بودیم.» او درباره هدف

برگزاری این نمایشگاه تصریح کرد: «هدف اصلی ما از نمایشگاه این بود که منفعل نباشیم. هنرمندان تجسمی نمی‌توانستند مثل آتش‌نشان‌ها کمک کنند و نمی‌توانستند الزاماً مثل اهالی هنرهای نمایشی پیام شان را راحت به مردم برسانند و نیاز به بستری داشتند تا نشان دهند این است که صرفاً تماشاچی نبودیم و واکنشی نشان دادیم؛ قطعاً واکنشی از جنس هنر.»

می‌توانیم به مخاطب پیام‌مان را برسانیم. هدفمان عدم انفعال بود. اینکه هنرمندان تجسمی آنقدر می‌توانند تأثیرگذار باشند و پیام‌شان را به مخاطب‌شان برسانند تا یک اثر ماندگار را برای آینده خلق کنند. شاید ما توانستیم آتش پلاسکو را خاموش کنیم اما توانستیم آثاری را گردآوری کنیم که تمامی آثار را در آن به نمایش گذاشتیم. جدای از آن هنرمندان بزرگ دیگری هم بودند که از ما پشتیبانی کردند و قطعاً بدون حمایت آنها این کار انجام نمی‌شد.»